

بودیسم در اروپا

بخش اول

۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۱

علی فرح بخش / رادیو کوچه

در گزارش امروز، نگاهی می‌اندازیم به آیین بودا در اروپا. پیشینه‌ی بودیسم در این قاره را مورد بررسی قرار می‌دهیم، و دلایل گرایش بعضی اروپایی‌ها به این مکتب شرقی را در بخش دوم این گزارش و برنامه‌ی آتی، بررسی خواهیم کرد.

امروزه آیین بودا، طرفدارانی را در قاره‌ی اروپا به‌سوی خود جلب کرده‌است. در این‌جا لازم به‌ذکر است که منظور از طرفدار، صرفن به‌معنای پیرو دینی نیست. پیروان رسمی دین بودایی در اروپا، جمعیت اندکی را شامل می‌شوند. این قاره دارای حدودن بیست و چهار میلیون بودایی‌ست که این رقم تنها ۳/۲ درصد از کل جمعیت اروپا را شامل می‌شود.

همان‌گونه که در ابتدای این نوشتار ذکر شد، آیین بودا در اروپا طرفدارانی دارد، هر چند ممکن است فشار کثیری از این جمعیت، تنها به دین بودایی علاقه‌مند باشند و نتوان آن‌ها را پیروان رسمی مکتب بودیسم قلمداد کرد، اما هرگز نمی‌توان تاثیر آیین بودا بر جوامع غربی و اروپایی را انکار کرد. در آغاز نگاهی می‌اندازیم به تاریخ و پیشینه‌ی این مکتب شرقی در قاره‌ی سبز.

پیشینه‌ی آیین بودا در اروپا

گروهی از محققان بر این باورند که اولین تماس‌های آیین بودا با اروپا، پس از فتح قسمت‌هایی از هند توسط «اسکندر» (Alexander) در قرن سوم پیش از میلاد رخ داد. پس از آن بود که تبادلات فرهنگی و هنری گوناگونی بین هند و یونان صورت گرفت.

در دوران پادشاهی «آشوکا» (Ashoka) (272 تا 232 قبل از میلاد) در هند، آیین بودا به پیشرفت‌های بسیاری نائل آمد که پیش از آن، بسیار ضعیف‌تر بود. «آشوکا»، نمایندگان بسیاری را به غرب اعزام داشت و به معرفی آیین بودا پرداخت و همچنین، شماری از اندیشمندان غربی و به‌خصوص یونانی را جلب کرد، تا آن‌جا که حتا در بعضی گزارش‌های تاریخی ذکر شده‌است که وی، اندیشمندان غربی را خریداری می‌کرد.

آیین بودا همچنین از طریق جاده‌ی ابریشم به اروپا راه یافت و تاثیراتی بر تمدن‌های باستانی غرب برجای گذاشت. بعضی پژوهشگران بر این باورند که اندیشه‌های «مسیح» نیز، تحت تاثیر غیرمستقیم باورهای بودایی بوده‌است، هر چند این نظریه قطعیت چندانی ندارد.

انتقال اندیشه‌های بودایی به غرب، در طی قرن‌ها به کندی پیش می‌رفت، شاید علت این امر تفاوت در نوع ساختارها و بنیان‌های فلسفی دو منطقه بود، و یا ممکن است مسافت جغرافیایی و غیره، عامل این مسئله باشد.

اما ورود بسیار موفق اندیشه‌های بودایی به اروپا و مورد توجه قرار گرفتن آن، در اواخر قرن نوزدهم و پس از آن رخ داد، یا به تعبیر دقیق‌تر، پس از سال 1870 میلادی. این جهش با گرایش‌ها و معارفه‌هایی که از سوی گروهی از غربیان صورت گرفت، انجام شد. در میان آن‌ها، می‌توان به فیلسوفانی چون «آرتور شوپنهاور» (Arthur Schopenhauer) و «هلنا بلاواتسکی» (Helena Blavatsky) اشاره داشت.

پس از آن بود که غربی‌ها، هرچه بیشتر به سوی کنکاش در اندیشه‌های بودایی گرایش یافتند. محققان بسیاری به شرق دور و زادگاه دین بودا عزیمت کردند تا به شکل مستقیم، به پژوهش پیرامون آیین بودا بپردازند. از جمله این افراد می‌توان به «الکساندرا دیوید نیل» (Neel Alexandra David) اشاره کرد. وی در اوایل قرن بیستم، به «لها‌سا» (Lhasa) مرکز تبت سفر کرد و بیش از 30 کتاب پیرامون آیین بودا و فلسفه‌ی بودیسم، و نیز سفرهایش به رشته‌ی تحریر در آورد. در سال 1911، وی برای ادامه‌ی تحصیلاتش در زمینه‌ی آیین بودا به هند سفر کرد. در 1912 وی موفق شد با سیزدهمین «دالایی لاما» (Dalai Lama) ملاقات کرده و سوالات خود پیرامون آیین بودا را با وی مطرح کند.

محققان و پژوهشگران بسیاری به‌سوی شرق عازم شدند تا پیرامون آیین بودا و فلسفه‌ی آن، کسب اطلاع کنند. در این میان کتاب‌ها و متن‌های بودایی بسیاری نیز به زبان‌های مختلف اروپایی ترجمه شد. از این‌دست، می‌توان به محققان آلمانی اشاره داشت. در سال 1903، اولین تشکیلات بودایی در آلمان تاسیس شد و متعاقب آن، این مرکز به ترجمه‌ی متون بسیار مهم «پالی» به زبان آلمانی پرداخت. محققانی چون «کارل ایوگن نیومن» (Neumann Karl Eugen)، «نیانتی‌لوکا» (Nyantiloka) و غیره، در این حرکت سهیم بودند.

نویسندگان برجسته‌ی دیگری نیز به‌سوی آیین بودا گرایش یافتند. نویسندگانی چون «هرمان هسه» (Hermann Hesse) که کتاب بسیار مشهوری تحت عنوان «سیدارتا» (Siddhartha) در سال 1922 به‌چاپ رساند که با موفقیت بسیار چشمگیری روبه‌رو و به زبان‌های بسیاری ترجمه شد.

علاوه بر محققان و پژوهشگران اروپایی، گروهی از شرقی‌ها نیز به کمک اروپاییان شتافتند تا در تفهیم و نشر اندیشه‌های بودایی در اروپا به هم‌قطاران خارجی خود مدد رسانند. اساتید بزرگی چون «د.ت. سوزوکی» (Teitaro Suzuki Daisetsu)، «تایزن دشی‌مارو» (Taisen Deshimaru)، «تیچ نات هان» (TichNhatHanh) و غیره، در معرفی آیین بودا و به‌خصوص مکتب «ذن بودیسم» (Zen) در اروپا نقش بسیار موثری داشتند.

از سوی دیگر، مهاجرت گروهی از شرقی‌ها به اروپا، بر آشنایی هر چه بیشتر اروپایی‌ها با آیین بودا افزود. همایش‌ها و دفاتر مرکزی بودایی، رفته رفته شکل منسجم‌تری گرفت و گاه، مراکزی نیز از سوی طرفداران آیین بودا در اروپا که خود اروپایی بودند، در کشورهای مختلف تاسیس شد. برای نمونه اولین گروه بوداییان کروآت در کرواسی در سال 1980 شکل گرفت و متعاقب آن، مراکز و انجمن‌های بسیاری که مربوط به فرقه‌ها و مکاتب مختلف بودایی بودند، تاسیس شد.

در نروژ نیز اولین انجمن بودایی در سال 1979 آغاز به‌کار کرد. در بسیاری از کشورهای اروپایی، انجمن‌ها، مراکز و دفاتر بودایی بسیاری شکل گرفت که گاه از سوی مهاجران بودایی بود و گاه، به‌طور کامل توسط اروپایی‌ها اداره می‌شد. بسیاری از این انجمن‌ها، به انتشار اخبار، کتاب و غیره، همت گماردند و در این بین، رفته رفته آیین بودا بر فرهنگ نوین اروپا تاثیر گذاشت.

از جدیدترین مراکز بودایی اروپا می‌توان به «خانه‌ی تبت» در شهر فرانکفورت آلمان اشاره کرد که در نوامبر سال 2005 میلادی در راستای معرفی فرهنگ و هنر تبت تاسیس شد.

امروزه تحقیقات پیرامون آیین بودا در اروپا به‌صورت بسیار منسجم در بسیاری از کشورهای این منطقه صورت گرفته و نتایج تحقیقات، به‌صورت کتاب، نشریه، برنامه‌های تصویری، مقالات اینترنتی و غیره، در اختیار علاقه‌مندان به آیین بودا و بوداییان قرار می‌گیرد.

در سال‌های اخیر، اروپایی‌های بسیاری به‌سوی آیین بودا گرایش یافتند، هرچند ممکن است که این گرایش، بیش‌تر با حسی از کنجکاوی همراه باشد. این افراد با مراجعه به مراکز بودایی و دیرها و معابد این آیین، به‌صورتی بسیار ملموس، با مراسم، آداب و فلسفه‌ی کیش بودایی آشنا می‌شوند و ممکن است به‌صورت رسمی یا غیررسمی، به سلک پیروان آیین در آیند و یا به‌صورت یک علاقه‌مند، جذب بعضی از اعمال آیینی، مانند مدیتیشن‌های بودایی شوند.
